

نوع نظارت، پیامد آن و اسناد شرعی نظارت

طبیعی است که از اخذ عنصر «اقدام اصلاحی» و «قدرت و اختیار» و ... میتوان پی برد که این نظارت صرفاً «استطلاعی» نیست و بالطبع شبیه نظارت «استصوابی»، اقداماتی را در پی دارد.

در سیره امیرالمؤمنین - علیه السلام - در برخورد با متخلفین - که بالطبع - امتداد نظارت به حساب می آمد - به جنس نظارت پی می بریم، چنان که بر اهمیت اصل نظارت نیز واقف می گردیم. اجمالاً به نهج البلاغه نامه های ۲۰ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۳ و ۴۵ و ۷۱ مراجعه شود. قصه ابن هرمه (کارگزار بازار اهواز) نیز در برخی متون معروف^۱ آمده است.

واضح است که نمیتوان فعل و سنت حضرت را خاص ایشان دانست و قانونی فراگیر از آن، استنباط نکرد.

در نامه ۵۳ به جناب مالک نیز بر گمردن ناظر بر کارگزاران تاکید شده است. توجه کنید:

«ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِيَارًا... ثُمَّ تَقَفَّدْ أَعْمَالَهُمْ، وَابْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ... فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ، اكَتَفَيْتَ بِدَلِيكَ شَاهِدًا...».

آن چه در فقره اخیر آمده، ممکن است اشاره به این باشد که شرایط مشهور شاهد از تعدد، مذکر بودن و عدالت لازم نیست بلکه خبر واحد ثقه (و قاعدتاً موثوق به) کافی است و این میتواند استثنایی از قانون عام مثل «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» باشد،^۲ اگر خصومتی باشد و الا به گمان ما در شاهد بیش از وثوق لازم نیست، مگر دلیلی از این هست حق استثنا زند.

از موضوعاتی که مجال تتبع و تحقیق دارد فرضیه «سیاست افتراقی نسبت به کنترل اعمال کارگزاران نظام» است. بر اساس این سیاست شاید حمل بر صحت و عدم لزوم یا جواز فحص در شبهات مصداقیه در ضیق و شداد قرار گیرد.^۳

طبیعی است که نظارت تنها بر فعل ها نیست؛ بلکه ترک فعل ها نیز می تواند مورد نظارت قرار گیرد. کنترل جهت گیری نظام به تحقیق اهداف عالی حکومت حق نیز از متعلقات مراقبت و کنترل است.

عدم بدیل برای مراقبت و نظارت

گاه گفته شده در حکومت ولی فقیه به دلیل اعتبار عدالت در شخص واقع در هرم قدرت و عموم جاگرفتگان در پست های کلیدی، مراقبت و نظارت ناموجه خواهد بود. (در مقاطعی از تاریخ جاری انقلاب در دوران ما این سخنان مطرح می شد).

واضح است که عدالت در نهایت می تواند مانع خیانت باشد لکن مانع مثل اشتباه و کانالیزه شدن نیست تا وجهی برای ناموجه بودن نظارت و مراقبت حتی بر رفتارهای کسی که در راس هرم قدرت است، باشد.

۱. شماره ها بر اساس نهج البلاغه مرحوم فیض الاسلام است.

۲. نظیر دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۲.

۳. راجع به ابن هرمه هم فرمودند: «فمن اتى عليه بشاهد فحلّفه مع شاهده، و ادفع اليه من مكسبه ما شهد به عليه». المصدر.

۴. ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۲۰، ص ۸۷۰.

واضح است که اعتقاد به شهادت شاهدان الهی از خداوند متعال، پیامبران، خواص امت، فرشتگان، اعضا و جوارح، زمین، زمان، ایام شریف، نامه اعمال و نعمتها، سهمی وافر در بازدارندگی افراد و تسهیل فرایند مراقبت دارد، لکن جایگزین آن - به حسب نقل، عقل و تجربه - قرار نمی گیرد.

تفکیک قوا راه کاری برای مهار قدرت، جلوگیری از فساد و مراقبت نهادینه وموقعیت آن در شریعت مطهر

بر همه کسانی که مطالعاتی در مساله مورد گفتگو دارند، عیان است که تفکیک قوا از عناصر مهم و موثر در مهار قدرت، جلوگیری از فساد، سوء استفاده از قدرت و از مظاهر و تجلیات «نظارت دولت (حاکمیت) بر دولت» به حساب می آید.

افزون بر این همه، افزایش کار آمدی و تقسیم کار نیز از ثمرات تفکیک قوا بشمار می رود.

نکته قابل بحث فقهی، نصب قضات (و رئیس قوه قضاییه) از سوی والی است که شاید زخمی بر اصل تفکیک قوا وارد کند. محقق نائینی در این ارتباط می فرماید:

«لا اشکال فی ثبوت تشریح الولاية فی الشرع و جعل منصب الوالی، كما انه يجعل منصب القضاء. و لكل منهما وظيفة غیر وظيفة الآخر؛ فوظيفة الوالی هی الامور النوعية الراجعة الی تدبیر الملك و السياسة و جباية الخراج و الزکوات و صرفها فی المصالح العامة... و بعبارة اخرى: کل ما یكون وظيفة السلطان فی مملکته و منه جعل القاضی فی خطة ولايته كما یشاهد فی هذه الاعصار من کون القاضی المنصوب فی ناحية محکوما بتبعية والی تلك الناحية...»^۵.